

قضاء الولد الأكبر ما فات والديه:

قضای پسر بزرگتر برای آنچه والدینش به جا نیاورده‌اند

س ۶۰ / بالنسبة إلى الولد الأكبر الذي يجب عليه قضاء ما فات والديه من صلاة وصيام، هل يمكن أن يساعده أحد في ذلك، وماذا لو تبرع متبرع بالقضاء عنهما، هل يكون هو مأثوماً سواء كان التبرع بعد تقصير منه، أو بدونه؟
پرسش ۶۰:

در خصوص پسر بزرگتری که قضای آنچه از نماز و روزه از والدینش فوت شده بر او واجب است، آیا کس دیگری می‌تواند به او کمک کند؟ و اگر کسی قضای آنها را از سر احسان داوطلبانه انجام دهد، آیا آن پسر گناهکار است؟ چه کوتاهی کرده باشد، چه نکرده باشد؟

ج/ في الشرائع (ولو تبرع بالقضاء بعض سقط) أي لو تبرع شخص أو أكثر بالقضاء سقط الوجوب عن الولد الأكبر، ولو كان التبرع دون تقصير منه لا يكون مأثوماً، أما لو كان قد أهمل قضاء ما في ذمة والديه فهو مأثوم.
پاسخ:

در شرایع آمده است (و اگر کسی داوطلبانه آنها را انجام دهد از بقیه ساقط می‌شود)؛ یعنی اگر یک یا چند نفر داوطلبانه قضا را به جا آورند وجوب از پسر بزرگتر ساقط می‌شود. اگر این داوطلبانه انجام دادن توسط دیگران بدون هیچ قصور و کوتاهی از سوی پسر بزرگتر باشد او گناهکار نیست، اما اگر در قضای آنچه به ذمه والدینش بوده کوتاهی کرده باشد، او گناهکار است.

س ۶۱ / ورد في الشرائع في القضاء عن الميت: (ولو كان له وليان أو أولياء متساوون في السن (حتى اللحظة) تساووا في القضاء)، كيف يتساوون في القضاء، فهل يجب عليهم أن يوزعوا ما فات الميت عليهم بالسوية، أم يكفي القضاء عنه ولو قضى أحدهم عن الميت أكثر من غيره؟
پرسش ۶۱:

در شرایع در خصوص قضای بدل از میت آمده است: (اگر میت دو یا چند ولی داشته باشد که از نظر سنی با هم برابر بودند (حتی از نظر لحظه تولد) قضای اعمال میت را به صورت مساوی انجام میدهند). چگونه به طور مساوی قضا را به انجام می‌رسانند؟ آیا بر آنها واجب است آنچه از میت فوت شده است را به تساوی بینشان قسمت کنند؟ یا صرفاً قضای او را به جا آوردن کفایت می‌کند، حتی اگر یکی از آنها بیش از دیگری به جا آورد؟

ج/ أي تساوا في وجوب القضاء عن الميت، فلا يجب القضاء على أحدهم دون الآخر، ولا يجب على أحدهم أن يقضي أكثر من الآخر، بل يتوزع القضاء بينهم بالتساوي، وإذا تبرع أحدهم بقضاء كل ما في ذمة الميت سقط عن الآخرين.

پاسخ:

یعنی از نظر وجوب قضا از طرف مرده، برابر هستند؛ پس اینگونه نخواهد بود که بر یکی واجب باشد و بر دیگری نه؛ و واجب نیست یک نفر بیش از دیگری قضا به جا آورد، بلکه قضا را بینشان به تساوی قسمت کنند؛ و اگر یکی از آنها داوطلبانه قضای هر آنچه بر ذمه مرده است را تقبل کند از دیگران ساقط می‌گردد.

س ۶۲ / إذا علم الأحفاد بأنّ الجد أو الجدة عليهما صلاة وصيام ولم يكن لهما ولي ولا عندهما تركة ليتصدق عنهما، فما هو الحكم؟

پرسش ۶۲:

چنانچه نوادگان شخصی بدانند که نماز و روزه‌ای بر عهده پدر بزرگ و یا مادر بزرگ بوده است و فرزندی ندارند (تا برای آنها قضا کند) و مالی از آنها بر جا نمانده تا از طرفشان صدقه داده شود، حکم چیست؟

ج/ يستحب لهم القضاء أو التصدق عنهم.

پاسخ:

برای آنها مستحب است تا آنچه از آنها فوت شده است را قضا کنند و یا از طرف آنها صدقه بدهند.

س ۶۳ / ورد: (واهماله - أي قضاء ما في ذمة الوالدين - من العقوق المحرم)، هل العقوق يحصل بالنسبة للوالدين فقط أو يشمل الأجداد أيضاً؟

پرسش ۶۳:

آمده است: (.... و بی‌اعتنایی و سستی او نسبت به آن یعنی قضا کردن آنچه بر ذمه والدینش است- نافرمانی حرام می‌باشد). آیا این نافرمانی، فقط نسبت به پدر و مادر است و یا اجداد را نیز شامل می‌شود؟

ج/ يشمل الوالدين فقط.

پاسخ:

تنها والدین را شامل می‌شود.

س ۶۴ / إذا قصر الولد الأكبر ولم يؤد ما في ذمة والده، وأراد غيره - كبنيت الميت - أن تتصدق عن والدها بمقدار ما في ذمته من الصيام، فهل يمكنها ذلك وتبرئ ذمة والدها؟

پرسش ۶۴:

چنانچه پسر بزرگ کوتاهی کند و آنچه بر عهده پدرش بوده را به جا نیاورد و شخص دیگری مثلاً دختر شخص مرده- بخواهد به مقدار روزه‌هایی که بر عهده پدرش بوده به نیابت از او صدقه بدهد؛ آیا او می‌تواند چنین کند و ذمه پدرش بری می‌شود؟

ج/ یجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۶۵ / لو فرض أن الميت كان يمكنه قضاء بعض ما فاتته (كما لو مرض آخر أسبوع من شهر رمضان وشفى من مرضه في اليوم الأول من شوال ووافاه الأجل في اليوم الخامس منه)، فهل يجب على الولي قضاء ما فات المريض (أي أسبوع في المثال)؟

پرسش ۶۵:

اگر فرض شود که میت می‌توانسته برخی از آنچه از او فوت شده است را قضا کند (مثل اینکه هفته آخر ماه رمضان بیمار شده و در روز اول شوال شفا پیدا کرده باشد و در روز پنجم شوال نیز از دنیا برود)؛ حال آیا قضای آنچه از بیمار فوت شده بر فرزندش واجب است (در این مثال، هفته آخر)؟

ج/ هذه الجواب من الشرائع (ولا يقضي الولي إلا ما تمكن الميت من قضاائه وأهمله، إلا ما يفوت بالسفر ، فإنه يقضي ولو مات مسافراً).

پاسخ:

این پاسخ از شرایع است: (فقط قضای روزهای که میت می‌توانسته قضای آن را به جا آورد و اهمال کرده است بر ولی او واجب است، مگر آنکه میت در سفر بمیرد و روزه آن سفر بر وی قضا شده باشد، که قضایش بر ولی واجب است).

س ۶۶ / وهل يختلف الحكم، لو انشغل بعد شفائه بما منعه من الصيام (كما لو انشغل بسفر أو بعمل من اليوم الأول من شوال إلى الرابع منه وتوفي في الخامس)، فهل يجب على الولي القضاء عنه في مثل هذه الحالة؟

پرسش ۶۶:

و آیا حکم تفاوتی می‌کند، اگر پس از شفا از بیماری به آنچه او را از روزه گرفتن باز می‌دارد مشغول شود (مثلاً از روز اول تا چهارم شوال به سفر برود و یا به عملی مشغول شود و روز پنجم نیز از دنیا برود)؟ آیا در مثل چنین وضعیتی، قضا بر فرزند واجب است؟

ج/ قد تبين الجواب في أعلاه.

پاسخ:

پاسخ در پاسخ پیشین بیان گردید.

س ۶۷/ لو كان على الميت كفارات أو واجبات أخرى (كالحج والخمس والزكاة وإرجاع حقوق إلى أهلها)، فهل هي في عهدة الولد الأكبر أيضاً كما هو حال الصلاة والصيام؟

پرسش ۶۷:

اگر کفاره یا واجبات دیگری (مانند حج، زکات و بازگرداندن حقوقی به صاحبش) بر عهده میت باشد، آیا احقاق این حقوق نیز همانند نماز و روزه بر عهده پسر بزرگتر است؟

ج/ ليست في عهدة الولد الأكبر بالخصوص.

پاسخ:

به طور خاص بر عهده پسر بزرگتر نیست.
